

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۱۳۸۸/۶/۱۵

کور خواندی!!!

رای خلاف

برای فتح سنگر بوق بردند
دروغی را سر چارسوق بردند
خلاف رای سرانگشت شهری
هر آنچه بود از صندوق بردند

تزریق تب

جوازی دادهد ای تزریق تب را
دریغازنده کردی فکر شب را
برآ وردی سر از صندوق آتش
بگو از ما رئیس منتخب را

دور تکصدانی

خموشی در گلوی خامه جائیست
ازین زندان مرا فکر رهائیست
شنیدم از زبــــان بستۀ دل
که اینجا دور دور تکصدانیست

چنگ دندان

دل خود را به طوفان می سپارم
تصور کن چه آسان می سپارم
بگــــیرم تا که دادم راز بیداد
جگر در چنگ دندان می سپارم

بُردِ جنایت

اگر چه آنچه می گویم نهانست
خیانت را نشان بی نشانست
پی پیروزی بُردِ جنایت
نهاد گِردگ هارا همزبانست

منشور جهانی

به راه ما که منشور جهانیست
سخن از ره زنیهای فلانست
برای کسوری رأی جماعت
چه تجویزی به از قطره چکانست

کور خواندی

چه سان مغلوب را منصور خواندی
چه جوری جمله را ناجور خواندی
دو چشم شهر دل بینای بیناست
قسم بر روشنائی کور خواندی

عروسکها

چه پنهان و چه پیدا جلوه کردند
به کوری دل ما جلوه کردند
به رگم آرزوی هر چه مردم
عروسکها چه زیبا جلوه کردند

تبار بند و بست

نمی دانم که اینان از چه دستند
گهی هشیار و گاهی مست مستند
پیاله بر لب و عمامه بر سر
به هر سر از تبار بند و بستند

ارگان گرگان

مپنداری که همدستان گرگند
گله بانان مُلک ما بزرگند
که می گوید که در ارگان گرگان؟
بهین آرکستران هر چه ارگند

برج کین

کسی قصری ز جهل آباد کرده
به گردش برج کین ایجاد کرده
چنان بازار مهر اینجا خراب است
که این دل روی دستم باد کرده
